

بررسی رابطه‌ی سرمایه اجتماعی و رضایت از زندگی زناشویی در شهر بیرجند

محمدباقر آخوندی^۱

فاطمه لک^۲

سال سیزدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۸

شماره صفحه: ۱- ۳۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۸/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۳

چکیده

رضایت زناشویی، مقوله‌ای بسیار مهم و اساسی در پایداری خانواده است. افزایش نرخ بی سابقه طلاق چندساله اخیر در شهر بیرجند، نشان‌دهنده نقاط ضعف درون خانواده‌ها و تغییرات در سبک زندگی زناشویی است. هدف این مطالعه پیمایشی، بررسی رابطه‌ی سرمایه اجتماعی و رضایت از زندگی زناشویی زوجین ساکن شهر بیرجند در سال ۱۳۹۷ است و این سؤال در ذهن محقق به وجود می‌آید که سرمایه‌های اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی چه رابطه‌ای با رضایت از زندگی زناشویی در شهر بیرجند دارند؟ و متغیرهای زمینه‌ای هر کدام به چه میزان با رضایت از زندگی زناشویی رابطه دارند؟ روش تحقیق، پیمایشی، جامعه آماری، خانوارهای ساکن شهر بیرجند، و نمونه تحقیق با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۶ نفر انتخاب شدند. در راستای پیشبرد تحقیق از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده، و برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های همبستگی مناسب، تحلیل رگرسیون چند متغیره و... در نرم‌افزار SPSS 22 استفاده شده است. یافته‌ها حاکی از آن است، که در ازای هر واحد تغییر در سرمایه اجتماعی درون‌گروهی شناختی، رضایت زناشویی، به میزان ۰/۴۷ افزایش می‌یابد و در ازای هر واحد تغییر در سرمایه اجتماعی درون‌گروهی ساختاری، رضایت

akhondi@birjand.ac.ir

fateme.lak1372@gmail.com

۱. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه بیرجند

۲. کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی، نویسنده مسؤل

زناشویی به میزان ۰/۳۴ افزایش می‌یابد. در مجموع، ۵۹٪ تغییرات رضایت زناشویی توسط متغیرهای اصلی سرمایه اجتماعی درون‌گروهی ساختاری، درون‌گروهی شناختی و برون‌گروهی ساختاری تعیین می‌شوند. آزمون‌های برازش مدل نیز، نشان از نیکویی مدل و قابل‌تعمیم بودن از نمونه آماری به جامعه آماری را دارند. در نهایت مقدار $Kmo = 0/95$ و مقدار مناسب آزمون بارتلت در سطح معناداری ۰/۰۰۰ نشان‌دهنده برازش مدل تحقیق و قابلیت تعمیم نمونه آماری به جمعیت عاملی تحقیق است.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، رضایت از زندگی زناشویی، اعتماد زناشویی، تعهد زناشویی

مقدمه و بیان مسأله

خانواده اصلی‌ترین نهاد اجتماعی است، که از دید ادیان مختلف به‌عنوان نهادی مهم و غیرقابل جایگزین تلقی می‌شود (روحانی، ۱۳۹۰: ۸). قرآن کریم (روم: ۲۱)، هدف خانواده را تأمین آرامش روحی و جسمانی زوجین از طریق روابط دوستانه و ایثارگرانه می‌داند. به‌طور طبیعی، چنانچه خانواده‌ای سالم باشد، سلامت جامعه نیز تا حدود زیادی تأمین خواهد شد. رضایت زوجین که نتیجه آرامش در خانواده است، عامل استحکام و ثبات خانواده بوده و تحکیم خانواده، مستلزم رابطه زناشویی سالم و پایدار است. خانواده مکانی برای مودت و وحدت زن و شوهر است و برای آن‌ها بهترین فرصت را برای این صمیمیت و همدلی و از طرفی، افزایش تعهدات اخلاقی و جسمانی و روانی به وجود می‌آورد (بنی‌فاطمه و طاهری تیمورلویی، ۱۳۸۸: ۸).

وندورف^۱ رضایتمندی زناشویی را منطبق بودن رفتار زناشویی زوج و تفاهم و همدلی آنها با هم، رابطه صمیمانه منطقی با تفاهم و ارضای نیاز مادی و معنوی زن و مرد می‌داند (زارع و صفیاری جعفرآباد، ۱۳۹۴: ۱۱۲). عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی از منظر برادبری^۲، فینچام^۳ و بیچ^۴ شامل رفتارهای تعاملی، مهارت ارتباطی، سبک حل مسأله و تعارض، میزان عشق بین زوج، کیفیت روابط

-
1. Vandurf
 2. Bradbery
 3. Fincham
 4. Beach

جنسی بین زوج، سبک دل‌بستگی زوج، صمیمیت، تعهد، شناخت، عاطفه، الگوهای رفتاری، حمایت اجتماعی، خشونت، استرس‌های زندگی و تغییر منفی رفتار همسر است (اولیاء، فاتحی‌زاده و بهرامی، ۱۳۸۷: ۱۱).

نظریه پردازان علوم اجتماعی، خانواده را سنگ بنای سرمایه اجتماعی می‌دانند و خانواده، اصلی‌ترین شکل سرمایه اجتماعی است، که در بوجود آمدن و ارتقا سرمایه اجتماعی نقش اساسی دارد. فوکویاما، خانواده را منبع مهم سرمایه اجتماعی به شمار می‌آورد (روحانی، ۱۳۹۰: ۱۹). سرمایه اجتماعی، مجموعه منابع با ارزشی است که در ذات روابط اجتماعی گروه‌های نخستین و ثانوی وجود دارد. برخی از این ذخایر ارزشمند شامل: اعتماد، احترام، حفظ ارزش‌های اخلاقی، تعاون و همکاری، مسؤولیت‌پذیری، مشارکت و مهارت‌های ارتباطی است. از طرفی سرمایه اجتماعی، افراد خانواده را به آرامش فرا می‌خواند (قلی‌زاده و اسماعیلیان اردستانی، ۱۳۹۳: ۳۸). تحول سرمایه اجتماعی بین زوجین ایرانی که تأثیر گرفته از جریان نوگرایی است، بیشتر از هر چیزی در روابط زن و مرد مشاهده می‌شود. کاهش سرمایه اجتماعی با بی‌اعتمادی میان زن و شوهران همراه بوده و فشارها و بیماری‌های روحی و روانی همچون افسردگی و اضطراب را افزایش داده است (توکل، معیدفر و مقصودی، ۱۳۹۰: ۱۷۰-۱۷۱). عدم مشارکت در تصمیم‌گیری در امور منزل نیز، زمینه اختلاف زناشویی را ایجاد می‌کند (گنجی و سامانی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۷۳). ارتباط بین افراد، لازمه زندگی کردن است و در صورت نبود تعامل، زندگی پایان می‌یابد. افراد با کمک ارتباط داشتن با دیگران، زنده مانده و به رشد و تعالی می‌رسند و سعادت‌مندی آنها با پیوند با دیگران، معنا می‌یابد (شعاع کاظمی، ۱۳۸۹: ۵۸).

این موضوع به این جهت اهمیت دارد، که اگر زن و مرد در خانواده مورد حمایت عاطفی و روانی همدیگر قرار نگیرند، اعتماد بین آنها کاهش می‌یابد، و فضای استرس‌زا و متشنجی در خانواده حاکم می‌شود که نتیجه بروز بحران‌های عاطفی، خشونت، افسردگی، پریشانی و اضطراب آنها است. در این شرایط افراد به‌راحتی از ادامه زندگی منصرف و طلاق را به‌عنوان راه حلی منطقی برمی‌گزینند. البته کسانی که از ریختن آبروی خویش ترسانند، یا آینده فرزندانشان برایشان مهم‌تر است دچار نوع دیگری از طلاق (عاطفی) می‌شوند، که گرچه به‌صورت رسمی ثبت نمی‌گردد، اما به

اندازه طلاق رسمی تبعات و خساراتی به همراه دارد. در این صورت است که اهمیت وجود سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین سرمایه‌ها درون خانواده، بیش از پیش نمایان می‌شود. بر اساس گزارش منتشر شده از سوی دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی، ثبت طلاق در استان خراسان جنوبی از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ همواره روند صعودی داشته است. در صورتی که در بعضی سال‌ها رشد ثبت طلاق در استان با سال‌های مختلف، متفاوت بوده است. با بررسی روند عمومی طلاق نیز، شاهد افزایش این شاخص طی سال‌های اخیر از ۱/۳ در سال ۱۳۹۱ به ۱/۶ در سال ۱۳۹۵ بوده‌ایم (صفری، ۱۳۹۶: ۱۰-۱۱). در ۵۶٪ از طلاق‌های ثبت‌شده، طول زندگی مشترک بین زوجین کمتر از ۵ سال بوده است (همان: ۱۷). طبق گزارش مدیر سازمان ثبت احوال خراسان جنوبی ۶۰٪ طلاق‌ها در خراسان جنوبی، توافقی است. غنی‌فر و دیگران در مقاله‌ای با عنوان "بررسی رابطه رضایتمندی زناشویی و اضطراب در زنان مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی-درمانی شهرستان بیرجند" که در سال ۱۳۹۱ انجام شد نشان دادند، بین رضایتمندی زناشویی و اضطراب، رابطه معناداری وجود دارد و با افزایش در اضطراب زوجین، رضایت زناشویی آنها کاهش می‌یابد، و افراد با تحصیلات بالاتر از رضایت زناشویی بیشتری برخوردار بودند.

کاهش رضایت زناشویی، انتقال فرهنگی و ارزش‌های خانوادگی را به نسل‌های بعدی با مشکل روبه‌رو می‌کند. علت اهمیت بررسی مبحث فوق به این جهت است تا رضایت زناشویی و عوامل اثرگذار آن سنجیده شود، و مشکلات و تعارض زناشویی به بحران تبدیل نشده و خانواده را به قهقهه‌را نکشاند. عدم بررسی این موضوع در استان خراسان جنوبی باعث می‌گردد، که راهکارهای قابل ملاحظه‌ای در خصوص این موضوع مطرح نشود، و عواقب بحران‌زایی را برای خانواده و خصوصاً زوجین به همراه داشته باشد. از طرفی مطالعات انجام گرفته در حوزه نارضایتی از زندگی زناشویی و ناسازگاری زوجین عادی یا طلاق گرفته از بین خانواده‌هایی انتخاب شده‌است، که در اثر نارضایتی از زندگی زناشویی به دادگاه خانواده مراجعه کرده‌اند. در صورتی که عده زیادی از زوجین ممکن است از ترس آبرو یا عاقبت خود و فرزندان به دادگاه خانواده جهت گرفتن حق طبیعی خود مراجعه نکنند. هرچند رضایتمندی زناشویی، جزو موضوعاتی شناخته می‌شود که تحقیقات عمده‌ای در خصوص آن صورت گرفته است، اما نکته مهم در بررسی تحقیق حاضر، ارتباط سرمایه اجتماعی با

رضایتمندی زناشویی است، که تا به حال به عنوان یک موضوع حائز اهمیت با توجه به افزایش طلاق و کاهش رضایتمندی زناشویی در بیرجند، مورد توجه قرار نگرفته است. در پایان این سؤال در ذهن محقق به وجود می‌آید که آیا سرمایه اجتماعی رابطه‌ای با رضایت زناشویی دارد؟ و اگر رابطه دارد نوع و میزان سرمایه اجتماعی درون گروهی (ساختاری و شناختی) و برون گروهی (ساختاری)، هر کدام چه رابطه‌ای با رضایت از زندگی زناشویی زوجین شهر بیرجند دارند؟

هدف کلی پژوهش

هدف این تحقیق پیمایشی، بررسی رابطه‌ی سرمایه‌های اجتماعی و رضایت از زندگی زناشویی زوجین شهر بیرجند در سال ۱۳۹۷ است.

اهداف جزئی

- شناخت رابطه‌ی سرمایه اجتماعی درون گروهی شناختی (اعتماد زناشویی، تعهد زناشویی و سلامت روانی زوجین) و رضایت از زندگی زناشویی زوجین شهر بیرجند؛
- شناخت رابطه‌ی سرمایه اجتماعی درون گروهی ساختاری (صمیمیت با همسر، مشارکت با همسر) و رضایت از زندگی زناشویی زوجین شهر بیرجند؛
- شناخت رابطه‌ی سرمایه اجتماعی برون گروهی ساختاری (روابط فرد در شبکه‌های برون گروهی و حمایت اجتماعی خانواده پدری) و رضایت از زندگی زناشویی زوجین شهر بیرجند؛
- شناخت رابطه‌ی رضایت از زندگی زناشویی و متغیرهای زمینه‌ای (از جمله: سن، میزان تحصیلات، نوع اشتغال، مدت زمان زندگی مشترک و میزان درآمد ماهیانه).

فرضیه‌های تحقیق

- به نظر می‌رسد بین سرمایه اجتماعی درون گروهی شناختی (اعتماد زناشویی، تعهد زناشویی و سلامت روانی زوجین) و رضایتمندی زناشویی، رابطه معنادار برقرار است. با

- این پیش فرض که هر چه سرمایه اجتماعی درون گروهی شناختی بیشتر باشد، رضایتمندی زناشویی افزایش می یابد.
- به نظر می رسد بین سرمایه اجتماعی درون گروهی ساختاری (صمیمیت با همسر و مشارکت با همسر) و رضایتمندی زناشویی، رابطه معنادار برقرار است. با این پیش فرض که هر چه سرمایه اجتماعی درون گروهی ساختاری بیشتر باشد، رضایتمندی زناشویی افزایش می یابد.
 - به نظر می رسد بین سرمایه اجتماعی برون گروهی ساختاری (روابط زوجین در شبکه های برون گروهی و حمایت اجتماعی خانواده پدری) و رضایتمندی زناشویی، رابطه معنادار برقرار است. با این پیش فرض که هر چه سرمایه اجتماعی برون گروهی ساختاری بیشتر باشد، رضایتمندی زناشویی افزایش می یابد.
 - به نظر می رسد بین متغیرهای زمینه ای (جنسیت، سن، تحصیلات، نوع اشتغال، میزان درآمد ماهیانه خانواده و مدت زمان زندگی مشترک زوجین) و رضایت از زندگی زناشویی رابطه معناداری وجود دارد.

پیشینه های تحقیق

جدول (۱) پیشینه های تحقیق

عنوان تحقیق	نام محقق و سال انتشار	روش تحقیق و خلاصه یافته ها
نقش واسطه صمیمیت در رابطه بین الگوهای ارتباطی و کیفیت زندگی زناشویی شهرستان مرودشت	برزگر و سامانی (۱۳۹۵)	روش تحقیق: پیمایش، پرسشنامه حجم نمونه: ۳۰۲ نفر (۱۶۲ زن و ۱۴۱ مرد) کیفیت زندگی زوجین، تحت تأثیر مستقیم الگوهای ارتباطی زوجین از راه واسطه گری صمیمیت است و با افزایش صمیمیت در میان زوجین، تأثیر الگوهای مخرب توقع زن و مرد بر کیفیت رابطه زناشویی کمتر شده و تأثیر الگوهای سازنده ارتباط بیشتر می شود و بالعکس.

<p>روش تحقیق: پیمایشی، ابزار تحقیق: پرسشنامه حجم نمونه: ۳۸۲ نفر از زوجین شهر کرمان سرمایه اجتماعی با سلامت روانی زوجین همبستگی معناداری دارد و هر چه سرمایه اجتماعی بالاتر رود، سلامت روانی بیشتر شده و از میزان اضطراب و افسردگی و پرخاشگری زوجین کاسته خواهد شد.</p>	<p>توکل، معیدفر و مقصودی (۱۳۹۰)</p>	<p>بررسی جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت روانی در زوجین شهر کرمان</p>
<p>روش تحقیق: پیمایشی، نمونه‌گیری: هدفمند بین رضایت زناشویی در مردان پیمان‌شکن و پای‌بند به تعهد اخلاقی تفاوت معناداری وجود دارد و رضایت زناشویی و هوش اخلاقی نقش مهمی در عدم پای‌بندی به تعهد اخلاقی مردان دارد.</p>	<p>قزوینی و دیگران (۱۳۹۴)</p>	<p>مقایسه رضایت زناشویی هوش اخلاقی و رابطه آن با عدم تعهد اخلاقی در مردان شهر تهران</p>
<p>نمونه آماری: ۳۰۰ زن (۱۵۰ شاغل و ۱۵۰ خانه‌دار) رضایت از زندگی زنان شاغل از زنان خانه‌دار و رضایت جنسی زنان خانه‌دار از زنان شاغل بیشتر است. درحالی‌که دو گروه از نظر تعهد زناشویی تفاوتی با یکدیگر ندارند.</p>	<p>عسگری، پاشا و آذرکیش (۱۳۹۰)</p>	<p>مقایسه تعهد زناشویی، رضایت جنسی و رضایت از زندگی زنان شاغل و خانه‌دار</p>
<p>حجم نمونه مقاله مذکور شامل ۴۲ زوج (۸۴ نفر) است. بین تعهد زناشویی و رضایت زناشویی رابطه مثبت و معنی‌داری برقرار است.</p>	<p>شاه‌سیاه، بهرامی و محبسی (۱۳۸۸)</p>	<p>تعیین رابطه‌ی تعهد زناشویی و رضایت جنسی در زوجین شهرستان شهرضا</p>
<p>حجم نمونه: ۱۲۰ نفر دانشجوی زن و مرد دانشگاه آزادشهر بین عشق و سبک‌های آن (صمیمیت، لذت و تعهد) با رضایت زناشویی دانشجویان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد؛ با بالا رفتن میزان صمیمیت و تعهد زناشویی، رضایت زناشویی نیز به میزان قابل توجهی بالا می‌رود.</p>	<p>مشاک (۱۳۸۹)</p>	<p>رابطه سبک‌های عشق (صمیمیت، لذت و تعهد) با رضایت زناشویی دانشجویان متأهل دانشگاه آزادشهر اهواز</p>

<p>روش تحقیق: پیمایشی (مشارکت ۳۶۴۸ زن خانه دار روستایی در ۱۲ ایالت).</p> <p>نتایج رگرسیون سرمایه اجتماعی را به عنوان عنصر لازم، برای رضایت زناشویی در جامعه تایید کرد. همه متغیرهای ارائه شده سرمایه اجتماعی، به جز اعتماد عمومی، تحت تاثیر مثبت رشد رضایت زناشویی زنان خانه دار هستند. بنابراین سرمایه اجتماعی در طول رشد اقتصادی، مهمترین عاملی است که می تواند در افزایش رضایت زنان خانه دار موثر باشد.</p>	<p>Thi tuong Anh & Quynh (2015)</p>	<p>سرمایه اجتماعی در نواحی روستایی ویتنام و رضایتمندی زنان خانه دار در برخورد با آن (ویتنام)</p>
<p>(نمونه‌ای از ۱۴۰ زوج: ۷۰ زوج دارای یک شغل و ۷۰ زوج دارای ۲ شغل) گروه سنی ۲۵ تا ۶۱ سال.</p> <p>تحلیل رگرسیون چندگانه اعتماد در رضایت زناشویی زوجین دارای یک شغل و دو شغل را به ترتیب اثبات کرد.</p>	<p>Mohsin, et al. (2013)</p>	<p>نقش اعتماد در رضایت زناشویی بین زوجین دارای یک شغل و دو شغل در پاکستان</p>
<p>بین رضایت زناشویی با مقدار ارتباط افراد، اختلاف معنی‌دار مثبتی وجود دارد. از طرفی اختلاف روابط افراد، رضایت زناشویی را بهتر از همانندی انتظارات بین زوجین، پیش‌بینی می‌کنند؛ اما تفاوت کمی بین انواع زوجین درباره انتظارات روابط نشان داده شده است.</p>	<p>Kelley & Burgoon (1991)</p>	<p>فهم رضایتمندی زناشویی و تیپ زوجین در کارکرد انتظارات و روابط آن‌ها در شهر شوت وست</p>
<p>مقاله پژوهشی، اختلافات در مشاهده ارتباطات زناشویی را در یک نمونه از ۶۲ زوج سوئیسی در طرز رفتار را نشان داد.</p> <p>نتایج تحقیق نشان داد، تعاملات زناشویی به جنسیت، افسردگی، رنج زناشویی و زندگی با شریک افسرده بستگی دارد.</p>	<p>Gabriel, Beach & Bodenman (2010)</p>	<p>افسردگی، رضایت زناشویی و ارتباطات در زوجین: بررسی تفاوت‌های جنسیتی زوجین سوئیسی</p>
<p>نمونه تحقیق: ۲۴۷ زن جنوب جاکارتا و ۵۰ زن در آستانه درخواست طلاق.</p> <p>نتیجه تحقیق رابطه بخشش و قدردانی را با رضایت زناشویی ثابت کرد. اما رابطه انگیزه خیرخواهی و تداوم زناشویی، در رابطه با رضایت زناشویی ثابت نشد.</p>	<p>Yusuf & Latifa (2017)</p>	<p>تاثیر بخشش، قدردانی و تداوم زناشویی در رضایت زناشویی در زنان جنوب جاکارتا</p>

نقد و تحلیل پیشینه‌ها

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، با توجه به مرور پیشینه‌های رضایت زناشویی، در تمامی پیشینه‌ها به برخی از ابعاد سرمایه اجتماعی پرداخته شده‌است. مانند پژوهش قزوینی و دیگران (۱۳۹۴)؛ عسکری، پاشا و آذرکیش (۱۳۹۰) و شاه‌سیاه، بهرامی و محبی (۱۳۸۸) که تنها به بررسی تعهد اخلاقی زوجین پرداخته‌اند. در پیشینه‌های خارجی نیز، مانند پیشینه مربوط به پاکستان که به اعتماد زناشویی، کلی و بورجون که به روابط زناشویی و گابریل و بودنمن که به افسردگی و زناشویی پرداخته‌اند، تنها بخشی از ابعاد وسیع سرمایه اجتماعی را در ارتباط با رضایت زناشویی مد نظر قرار داده‌اند. در حالی که در پژوهش حاضر، به ابعاد ساختاری و شناختی درون‌گروهی و برون‌گروهی سرمایه اجتماعی شامل (اعتماد، تعهد، سلامت روانی، مشارکت، صمیمیت، روابط در شبکه‌های برون‌گروهی و حمایت خانواده پدری از زوجین) پرداخته شده‌است.

مبانی نظری

جیمز کلمن^۱: سرمایه اجتماعی با کارکردش تعریف می‌شود. سرمایه اجتماعی شیء واحد نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که ۲ ویژگی مشترک دارند: همه آن‌ها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند و کنش‌های معین افرادی را که درون ساختار هستند، تسهیل می‌کنند. سرمایه اجتماعی مانند شکل‌های دیگر سرمایه، مولد است و دستیابی به هدف‌های معینی را که در صورت عدم وجود آن دست‌یافتنی نخواهد بود امکان‌پذیر می‌سازد. کارکردی که به‌وسیله سرمایه اجتماعی مشخص می‌شود، ارزش جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی^۲ برای کنشگرانی است که به‌منزله منابع کنشگران می‌توانند برای تحقق علاقتشان از آن‌ها استفاده کنند (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۲، ۴۶۵). کاربرد عمده مفهوم سرمایه اجتماعی به این واقعیت بستگی دارد که سرمایه اجتماعی محصول فرعی فعالیت‌هایی است که برای مقاصد دیگری صورت می‌گیرد (همان: ۴۷۸). یکی از مواردی که اهمیت اعتماد را به‌عنوان شکلی از سرمایه اجتماعی

1. Games kolman
2. Social structure

نشان می‌دهد، نظام اعتماد متقابل است. مثال افراطی چنین نظامی زوجی هستند که هر یک از آن‌ها اعتماد زیادی به دیگری دارد. خواه عاشق یکدیگر باشند، خواه نباشند، برای هر دو در این رابطه ارزش روانی فوق‌العاده‌ای دارد. هر یک می‌تواند به دیگری اطمینان کند، تردیدهای روانی را آشکار سازد، با دیگری رک و راست باشد، مسائل حساس را مطرح کند و همه این‌ها را بدون ترس از سوء استفاده دیگری از اعتماد او انجام دهد (همان: ۴۶۹). با توجه به نظر جیمز کلمن در مورد سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی و تعهد اجتماعی، بعد شناختی سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند. ابعاد تعلقات اجتماعی و تعاملات اجتماعی، بعد ساختاری را سنجش می‌کنند. منظور از بعد شناختی، وجود میزانی از اعتماد، تعهد اجتماعی و سایر عناصر چون صداقت، همبستگی درون‌گروهی، میزان زمان باهم بودن، انتقادپذیری و ... است که شامل کیفیت روابط اجتماعی بین همسران است. در حالی که در بعد ساختاری، کمیت روابط اجتماعی و شبکه اجتماعی فرد سنجیده می‌شود، که عضویت فرد در گروه، میزان همکاری، تنوع فعالیت‌های جمعی، تعداد افرادی که فرد را می‌شناسند، انواع ارتباطات، شعاع ارتباطات، تعداد و اندازه شبکه‌های اجتماعی فرد، مورد سنجش قرار می‌گیرند (شربتیان، ۱۳۹۵: ۱۲۲).

نان‌لین: نان‌لین سرمایه اجتماعی را به‌مثابه منابع نهفته در ساختار اجتماعی تعریف می‌کند، که با کنش‌های هدفمند قابل دسترسی است. وی منابع نهفته و موقعیت‌های شبکه‌ای را دو عنصر مفهومی مهم سرمایه اجتماعی قلمداد می‌کند و برای سرمایه‌گذاری افراد در روابط شبکه‌های اجتماعی سه گونه بازدهی سلامت جسمانی، سلامت روانی و رضایت از زندگی را مطرح می‌کند. لین، سپس انواع سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، برون‌گروهی و نهادی را جایگزین قیود پیوندی، آوندی و هم‌آوندی کرد و به نقش این سرمایه‌ها در سلامت روانی اشاره کرد. لین معتقد است که این سه مفهوم در عدم افسردگی و مبتلا شدن به بیماری روانی نقش مهمی دارند. زیرا باعث افزایش احساس کنترل بر زندگی روزمره می‌شوند که پیامد آن احساس خوشبختی و آسودگی خیال است. با توجه به این قیود می‌توان نقش سرمایه اجتماعی (درون‌گروهی، برون‌گروهی و نهادی) را در

سلامت روانی افراد مورد ارزیابی قرارداد. وی معتقد است که این سه مفهوم در عدم افسردگی و مبتلا نشدن به بیماری روانی نقش مهمی دارند (علیوردی‌نیا، شارع‌پور و ورمزیار، ۱۳۸۷: ۱۱۵).

نظریه فوکویاما^۱: سرمایه اجتماعی نمونه ملموسی از هنجار غیررسمی است، که باعث ترویج همکاری بین دو یا چند فرد می‌شود. هنجارهای تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی، می‌توانند از هنجار روابط متقابل دو دوست تا آموزه‌های پیچیده‌ای را در برگیرند، که به‌طور مشروح بیان شده‌اند. این هنجارها در روابط بالفعل آدمیان و روابط متقابل بالقوه در روابطی که با همه مردم داریم وجود دارند. ولی فقط در روابط با دوستانمان از قوه به فعل درمی‌آیند (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۷۰). چنین نیست که هر مجموعه‌ای از هنجارهایی با مصداق عینی، به تشکیل سرمایه اجتماعی بینجامد؛ این هنجارها باید به [ایجاد و افزایش] همکاری در گروه بینجامند و لذا با فضایل سنتی چون درستکاری، وفای به عهد، قابل اعتماد بودن در انجام وظیفه، روابط متقابل و نظایر این‌ها مرتبط‌اند (همان: ۱۷۰). فرانسیس فوکویاما به ارتباط سرمایه اجتماعی و مشکلات اجتماعی اشاره مستقیم داشته و یکی از راه‌های اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی را استفاده از آمارهای انحرافات اجتماعی از قبیل جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، خشونت‌های خانوادگی مثل (همسر آزاری، کودک‌آزاری، سالمند آزاری، مصرف مواد مخدر، طرح دعاوی، خودکشی و سایر مشکلات اجتماعی) معرفی می‌کند (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۱۵-۱۶).

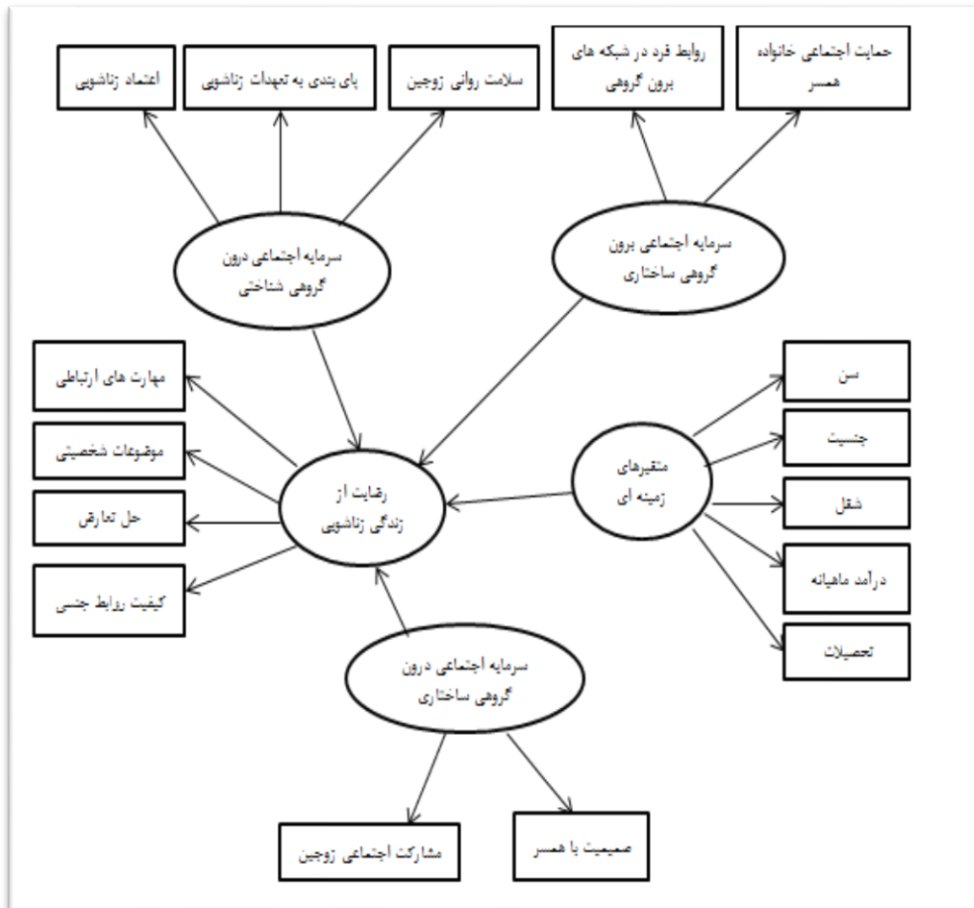
برادبری، فینچام و بیچ: در خصوص عوامل مؤثر بر رضایتمندی زناشویی برادبری، فینچام و بیچ این عوامل را به دودسته تقسیم کرده‌اند: الف) فرآیندهای میان فردی که بین زوجین اتفاق می‌افتد و شامل رفتارهای تعاملی، مهارت‌های ارتباطی، سبک‌های حل مسأله و تعارض کوشش‌های مقابله‌ای، میزان عشق میان زوجین، کیفیت رابطه جنسی، اهداف مشترک، توافق در مسائل مذهبی و اعتقادی، سبک دل‌بستگی زوجین، آداب خانوادگی، همکاری در مراقبت از نوزاد، صمیمیت، تعهد، شناخت، عاطفه، الگوهای رفتاری، حمایت اجتماعی، خشونت، استرس‌های زندگی و تغییر منفی رفتار همسر است. ب) محیطی که زوجین در آن زندگی می‌کنند، یعنی اوضاع و موقعیتی که

احتمالاً برای زوجین مهم و جالب توجه است. محیط‌های مرتبط با رضایتمندی زناشویی عبارت‌اند از: (۱) فرزندان (۲) تاریخچه زندگی، ویژگی‌های همسر و خانواده اصلی زوجین (۳) فشارهای زندگی انتقال‌ها (مرحله گذر) (اولیا، فاتحی زاده و بهرامی، ۱۳۸۷: ۱۱). فنل (۱۹۹۳)، عوامل مؤثر در رضایت زناشویی را به این صورت معرفی کرده است: ۱- تعهد مادام‌العمر به ازدواج، ۲- وفاداری به همسر، ۳- ارزش‌های اخلاقی قوی، ۴- احترام به همسر به‌عنوان یک دوست، ۵- تعهد به وفاداری جنسی، ۶- تمایل داشتن به والدی خوب بودن، ۷- اعتقاد به خدا و تعهد مذهبی، ۸- تمایل داشتن به لذت بخشی و حمایت نسبت به همسر و ۹- مصاحبت خوب با همسر و اشتیاق به بخشودن و بخشیده شدن (فتحی، و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۴).

چارچوب نظری

مسأله کاهش رضایت زوجین در نتیجه کاهش سرمایه اجتماعی خانواده‌ها در شهرستان بیرجند طبق نظریه سرمایه اجتماعی کلمن به این صورت مطرح می‌شود که تغییر در شیوه زندگی افراد، فقدان مهارت‌های ارتباطی و فشارهای زندگی الگوهای رفتاری بین زوجین شهرستان بیرجند در فاصله گرفتن افراد از یکدیگر نقش مهمی دارد و در کاهش رضایت زناشویی امری مهم تلقی شود. در این حالت است که افراد تنهایی را به گذراندن اوقات فراغت با یکدیگر ترجیح داده و مشارکت بین آن‌ها نیز به شدت کاهش می‌یابد. کمرنگ شدن ارزش‌های اخلاقی بین زوجین باعث می‌شود، افراد تعاملات فکری و احساسی کمی داشته باشند و زمینه‌ساز بروز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی و فردی برای زنان و مردان متأهل را به همراه داشته‌باشد. این در صورتی است که وقتی روابط اجتماعی افراد درون خانواده کاهش می‌یابد، وجود برخی تغییرات درون‌گروهی و برون‌گروهی، باعث کاهش رضایتمندی زناشویی می‌گردد. وقتی نیازهای زناشویی از جانب همسر به‌درستی تأمین نشود و زوجین شیوه برقراری ارتباط با یکدیگر را ندانند، بی‌اعتمادی جای اعتماد را می‌گیرد و در این صورت است که تعهد طرف مقابل نیز کمتر می‌شود و همسر احساس امنیت کمتری نسبت به قبل داشته و مسؤلیت‌پذیری، کاهش می‌یابد. از طرفی روابط رسمی جای روابط غیررسمی و صمیمانه در خانواده را گرفته و افراد را هرروزه بیش از قبل از یکدیگر دور می‌کند.

طبق نظریه سرمایه اجتماعی نان لین نیز کاهش رضایت زناشویی در نتیجه کاهش حمایت اجتماعی از سوی خانواده‌ها و کاهش روابط برون گروهی زوجین به وجود می‌آیند. اینکه افراد به چه میزان ارتباط اجتماعی دارند و تعداد تماس‌های روزانه آن‌ها با هم در شیوه بهتر زندگی، دخیل است و گرنه در صورتی که افراد مورد حمایت یکدیگر واقع نشوند، سرانجام آن چیزی جز افسردگی و پریشانی نخواهد بود. در واقع اینکه زوجین در طول روز با خانواده همسر چقدر ارتباط دارند، در میزان رضایت زناشویی آن‌ها مؤثر است. تماس روزانه با خانواده خود و خانواده همسر، حمایت عاطفی آن‌ها را به همراه خواهد داشت. اما در صورت نبود این ارتباط اجتماعی، چه از طرف زوجین و چه از طرف خانواده، بر روی روابط زناشویی اثرگذار خواهد بود. اینکه تعداد تماس‌های اجتماعی فرد با دیگران و تماس‌های روزانه چقدر است. اینکه فرد با چند نفر تماس دارد؟ اینکه فرد چگونه می‌تواند روی کمک مالی، عاطفی، اطلاعاتی و ... آن‌ها در زمان سختی حساب کند؟ با توجه به اینکه امروزه روابط اجتماعی خانواده‌ها رو به سردی رفته و دختران و پسران از خانواده خود جدا زندگی می‌کنند و مستقل شده‌اند، بررسی این موضوع امری مهم برای سنجش رضایت زوجین تلقی می‌شود. زوج‌های راضی، همواره روابط همدلانه بیشتری دارند. در صورتی که درک نادرست هیجانات جنسی همسر، تنش را به همراه خواهد داشت و باعث افزایش اضطراب و افسردگی خواهد شد. در نتیجه زوجین را منزوی کرده و آن‌ها بیشتر ترجیح می‌دهند اوقات فراغت خود را در تنهایی به سر ببرند و سرمایه اجتماعی به شدت کاهش خواهد یافت. توافق اعضا در حل تعارضات زناشویی نیز سبب می‌شود، تا صمیمیت و تعامل زوجین، افزایش یابد. اما در صورت وجود تعارض در رابطه‌ها، ارکان خانواده دچار تزلزل شده و ناخرسندی زناشویی را در اثر کاهش تعاملات و حمایت همسر و سرمایه اجتماعی درون گروهی به همراه خواهد داشت. در تحقیق حاضر با بهره‌گیری از نظریات جیمز کلمن، نان لین و فوکویاما در باب سرمایه اجتماعی و نظریات برادبری، فینچام، بیچ و فنل در باب رضایتمندی زناشویی به بررسی تجربی فرضیات تحقیق، پرداخته خواهد شد.



نمودار (۱) مدل نظری تحقیق

روش پژوهش

روش تحقیق پژوهش حاضر پیمایشی و جامعه آماری تحقیق مورد نظر، شامل همه خانوارهای ساکن شهر بیرجند در سال ۱۳۹۷ است، که حداکثر ۱۰ سال از سابقه ازدواج آنها گذشته باشد. طبق آخرین سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ توسط مرکز آمار ایران، تعداد خانوارهای ساکن شهر بیرجند ۵۷۷۴۵ نفر بوده است. حجم نمونه ما در این تحقیق، برحسب خطای نمونه گیری در سطح اطمینان ۹۵٪ (نمونه گیری تصادفی نظام مند) و با

استفاده از فرمول کوکران ۳۸۶ نفر، انتخاب شده‌اند. با توجه به تعداد (۳۲۹۲۲) نفر جمعیت ۲ منطقه شهر بیرجند، تعداد نمونه آماری موجود در منطقه دو، ۲۲۰ نفر و با توجه به تعداد (۲۴۸۲۳) نفر جمعیت منطقه یک، در این منطقه، ۱۶۶ نفر به صورت روش تصادفی نظام‌مند انتخاب شدند. بعد از اخذ نمونه نظام‌مند که توسط بلوک‌بندی‌های موجود در شهرداری از دو منطقه بیرجند انجام شد، به منازل مسکونی و تجاری انتخاب‌شده طبق نمونه‌گیری مورد نظر به آنها رجوع و پرسشنامه‌ها را توزیع و سپس جمع‌آوری کردیم. برای تحلیل داده‌ها، از آزمون‌های همبستگی مناسب، تحلیل رگرسیون، تحلیل عامل یا آزمون‌های مرتبط با آن استفاده کرده‌ایم.

ابزار پژوهش

در مطالعه پیمایشی حاضر، ما اطلاعاتی را در قالب پرسشنامه محقق ساخته، از گروهی از افراد جمع‌آوری کرده ایم. هدف از تنظیم پرسشنامه، تحقیق به‌وسیله آن طرح سؤالاتی است که به‌وسیله آن‌ها معرف‌هایی سنجیده و سپس به‌وسیله این معرف‌ها، واژه‌های گفتارهای یک تئوری بررسی می‌شوند و هدف، برگردانیدن واژه‌ها به معرف‌های مختلف و بالاخره برگردانیدن معرف‌ها به سؤالات است (رفیع‌پور، ۱۳۹۰: ۲۰۹). در متغیرهای مستقل، پرسشنامه ترکیبی از گویه‌ها به شکل طیف لیکرت خواهد بود و برای متغیرهای وابسته نیز ترکیبی از برش قطبین و طیف لیکرت طراحی شده است. به منظور تعیین اعتبار^۱ پرسشنامه، از اعتبار صوری استفاده شده است. بعد از تدوین پرسشنامه و توزیع آن به ۳۰ نفر از افراد نمونه که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند، به چند نفر از اساتید پرسشنامه‌ها توزیع و نظر آن‌ها را راجع به اعتبار پرسشنامه جویا شدیم. در pre-test، بارگذاری عامل‌ها و گویه‌های مربوط به متغیرهای تحقیق به مقدار قابل توجهی بالا بود و همه عوامل در سطح بالای ۰/۷ بارگذاری شده بودند. در تحلیل عامل تاییدی نیز، با توجه به تحلیل مسیر و مطابق با چارچوب نظری وارد شده، اثر خالص همه متغیرها قابل اعتماد بود که باعث شد گویه‌ها و سؤالات مربوط به پرسشنامه همان چیزی که

در ابتدای تحقیق مورد نظر محقق بوده است را بسنجند. به منظور بررسی پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شد. بعد از توزیع ۳۰ پرسشنامه پیش آزمون مقدار آلفای کرونباخ ۰/۸ و بعد از توزیع پرسشنامه نهایی مقدار آلفای کرونباخ ۰/۹ به دست آمد. مقدار ضریب آلفای کرونباخ، برای هر متغیر طبق چارچوب نظری وارد شده همه رقم بالای ۰/۷ را نشان داده و این امر بیانگر آن است که پایایی پرسشنامه به مقدار قابل توجهی بالا است.

جدول ۲) پایایی مدل

ردیف	متغیر / مؤلفه‌ها	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
۱	سرمایه اجتماعی برون گروهی ساختاری	۶	۰/۸۱
		۶	
۲	سرمایه اجتماعی درون گروهی شناختی	۴	۰/۷۷
		۳	
		۴	
۳	سرمایه اجتماعی درون گروهی ساختاری	۵	۰/۷۷
		۳	
۴	رضایت از زندگی زناشویی	۹	۰/۹۴
		۵	
		۵	
		۵	

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی یک متغیره

(جنسیت، سن، شغل، تحصیلات و درآمد) متغیرهای زمینه‌ای هستند که اطلاعات توصیفی آنها گردآوری شده است. از آن جهت که جامعه آماری ما از بین کسانی انتخاب شده، که حداکثر ۱۰ سال از سابقه زندگی مشترک آن‌ها گذشته است، تعداد بیشتر پاسخگویان، جوان بوده و ۹۰٪ افراد پاسخگو، بین ۱۸ تا ۳۸ سال سن داشته‌اند و ۴۵٪ پاسخگویان بین سنین ۳۲ تا ۳۹ سال بوده‌اند. پاسخگویان از نظر توزیع شغلی در گروه‌های مختلف شغلی بودند، که بیشترین توزیع مشاغل، بین مشاغل آزاد و کارمند بوده است. همچنین بیشتر پاسخگویان (حدود ۴۵٪) آنها، تحصیلات کارشناسی داشته و ۴۶٪ پاسخگویان اذعان کردند، که کمتر از ۲ میلیون تومان حقوق می‌گیرند.

جدول ۳) توزیع فراوانی شاخص‌های متغیر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی ساختاری

جمع	زیاد	متوسط	کم	متغیر / مؤلفه‌ها / شاخص‌ها		
۱۰۰	۷۴/۹	۱۸/۶	۶/۵	گفتگوی محبت‌آمیز با همسر	صمیمیت با همسر	سرمایه اجتماعی درون‌گروهی ساختاری
۱۰۰	۹۰/۱	۸/۰	۱/۹	شناخت همسر		
۱۰۰	۸۵/۷	۹/۶	۴/۷	حس خوشایندی با همسر		
۱۰۰	۶۶/۸	۲۴/۶	۸/۶	تفریح با همسر		
۱۰۰	۵۷/۸	۳۰/۶	۱۱/۶	مسافرت با همسر		
۱۰۰	۹۰/۹	۷/۳	۱/۸	احساس مسئولیت	مشارکت با همسر	
۱۰۰	۸۲/۱	۱۴/۰	۳/۹	مشارکت یا همسر		
۱۰۰	۷۷/۲	۱۵/۰	۷/۸	مشورت با همسر		

ارقام موجود در جدول ۳ نشان می‌دهد، که بیشترین درصد افراد نمونه آماری یعنی ۷۴٪ گفتگوی محبت‌آمیز زیادی با همسرانشان داشته، ۹۰٪ نسبت به همسرشان شناخت زیادی داشته، ۸۵٪

حس خوشایندی نسبت به همسرشان داشتند. در ارتباط با تفریح و مسافرت با همسر نیز بیشتر افراد نمونه آماری به تفریح و مسافرت زیاد با همسر اشاره کرده‌اند. بیشترین درصد افراد نمونه آماری یعنی ۹۰٪ احساس مسؤولیت زیادی نسبت به همسرانشان داشته، ۸۲٪ در امور خانه باهم مشارکت زیادی داشته و ۷۷٪ از زوجین باهم مشورت زیادی داشتند.

جدول ۴) توزیع فراوانی شاخص‌های متغیر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی شناختی

جمع	زیاد	متوسط	کم	متغیر / مؤلفه‌ها / شاخص‌ها		
۱۰۰	۷۲/۳	۲۲/۰	۵/۷	تفاهم متقابل با همسر	اعتماد زناشویی	سرمایه اجتماعی درون‌گروهی شناختی
۱۰۰	۸۵/۷	۹/۶	۴/۷	اطمینان متقابل با همسر		
۱۰۰	۵۸	۳۲/۲	۹/۸	انتقادپذیری متقابل		
۱۰۰	۷۵/۶	۱۸/۷	۵/۷	عمل به قول متقابل		
۱۰۰	۷۹/۳	۱۵/۵	۵/۲	وظیفه‌شناسی	تعهد زناشویی	
۱۰۰	۸۹/۴	۷/۳	۳/۳	وفاداری	سلامت روانی زوجین	
۱۰۰	۸۵/۵	۱۰/۹	۳/۶	راستگویی		
۱۰۰	۴۹/۵	۳۳/۷	۱۶/۸	تندی با همسر		
۱۰۰	۷۰/۸	۱۸/۶	۱۰/۶	کنترل رفت و آمد توسط همسر	زوجین	
۱۰۰	۷۴/۹	۱۴/۲	۱۰/۹	چک کردن موبایل توسط همسر		
۱۰۰	۷۶/۵	۱۶/۶	۶/۹	کنترل رفت و آمد همسر		

ارقام موجود در جدول ۴ نشان می‌دهد، که بیشترین درصد افراد نمونه آماری یعنی ۷۲٪ دارای تفاهم زیاد با همسر، ۸۵٪ اطمینان متقابل زیاد با همسر، ۵۸٪ انتقادپذیری متقابل زیاد با همسر و ۷۵٪ عمل به قول زیادی با همسرشان داشته‌اند. بیشترین درصد افراد نمونه آماری یعنی ۷۹٪ دارای وظیفه‌شناسی زیاد با همسر، ۸۹٪ وفاداری زیاد نسبت به همسر و ۸۵٪ از درجه راست‌گویی زیادی

نسبت به همسرشان برخوردار بودند. نیمی از افراد نمونه آماری، یعنی ۴۹٪ در ارتباط با همسرشان با تندی برخورد می‌کردند و بقیه افراد نمونه آماری با ملایمت بیشتری با همسرشان رفتار می‌کردند. ۷۰٪ از افراد نمونه آماری توسط همسرشان مورد کنترل زیادی قرار گرفته و ۷۴٪ نیز به صورت مداوم توسط همسرشان از طریق تلفن همراه چک می‌شدند. از طرفی ۷۶٪ از زوجین نیز متقابلاً همسرشان را کنترل می‌کردند.

یافته‌های استنباطی

تحلیل‌های دو متغیره

جدول ۵) ضرایب همبستگی متغیرها

ضرایب رگرسیون استاندارد شده	سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	متغیرهای مستقل و مؤلفه‌های آن	
۰/۳۵	۰/۰۰۰	۰/۶۶	اعتماد زناشویی	سرمایه اجتماعی
۰/۱۸	۰/۰۰۰	۰/۶۲	پای‌بندی به تعهدات زناشویی	درون‌گروهی
۰/۳۵	۰/۰۰۰	۰/۶۱	سلامت روانی زوجین	شناختی
۰/۵۰	۰/۰۰۰	۰/۶۷	صمیمیت با همسر	سرمایه اجتماعی
۰/۲۳	۰/۰۰۰	۰/۶۰	مشارکت با همسر	درون‌گروهی ساختاری
۰/۰۷	۰/۰۰۰	۰/۳۵	روابط فرد در شبکه‌های برون گروهی	سرمایه اجتماعی برون‌گروهی
۰/۳۶	۰/۰۰۱	۰/۴۱	حمایت اجتماعی خانواده پدری	ساختاری

فرضیه ۱: به نظر می‌رسد بین سرمایه اجتماعی درون‌گروهی شناختی (اعتماد زناشویی، تعهد زناشویی و سلامت روانی زوجین) و رضایتمندی زناشویی، رابطه معنادار برقرار است. با این

پیش فرض که هر چه سرمایه اجتماعی درون گروهی شناختی بیشتر باشد، رضایتمندی زناشویی افزایش می‌یابد.

با توجه به ضریب همبستگی پیرسون، اعتماد زناشویی، به میزان ۰/۶۶ و با جهت مثبت و به صورت قوی در سطح معناداری ۰/۰۰۰ با متغیر رضایت از زندگی زناشویی رابطه معنادار و مثبتی دارد. در نتیجه هر چه (تفاهم متقابل بین زوجین، اطمینان متقابل آن‌ها، درجه انتقادپذیری زوجین از یکدیگر و عمل به قول آن‌ها نسبت به همدیگر) بیشتر باشد، رضایت زناشویی بیشتری را با توجه به ضریب همبستگی ۰/۶۶ تجربه می‌کنند. همچنین تعهد زناشویی، به میزان ۰/۶۲ و با جهت مثبت و به صورت قوی در سطح معناداری ۰/۰۰۰ با متغیر رضایت از زندگی زناشویی رابطه معنادار و مثبتی دارد که نشان‌دهنده رابطه قوی و مثبت بین آن‌ها است. در نتیجه، هر چه تعهد زناشویی بالاتر رود، میزان رضایت زناشویی افزایش می‌یابد و هر چه تعهد زناشویی کاهش یابد، میزان رضایت زناشویی نیز کاهش می‌یابد. از طرفی سلامت روانی زوجین، به میزان ۰/۶۱ و با جهت مثبت و به صورت قوی در سطح معناداری ۰/۰۰۰ با متغیر رضایت از زندگی زناشویی رابطه معنادار و مثبتی دارد که نشان‌دهنده رابطه قوی بین آن‌ها است. در نتیجه هر چه زوجین از سلامت روانی بیشتری برخوردار باشند و دائماً یکدیگر را کنترل نکنند، رضایت زناشویی بیشتری را با توجه به ضریب همبستگی ۰/۶۱ تجربه می‌کنند. در نتیجه هر چه سرمایه اجتماعی درون گروهی شناختی زوجین (اعتماد زناشویی، تعهد زناشویی و سلامت روانی زوجین) افزایش یابد، رضایتمندی زناشویی آنها نیز افزایش می‌یابد. بنابراین فرضیه ۱ تأیید می‌شود.

فرضیه ۲: به نظر می‌رسد بین سرمایه اجتماعی درون گروهی ساختاری (صمیمیت با همسر و مشارکت با همسر) و رضایتمندی زناشویی، رابطه معنادار برقرار است. با این پیش فرض که هر چه سرمایه اجتماعی درون گروهی ساختاری بیشتر باشد، رضایتمندی زناشویی افزایش می‌یابد.

با توجه به ضریب همبستگی پیرسون، صمیمیت با همسر، به میزان ۰/۶۷ و با جهت مثبت و به صورت قوی در سطح معناداری ۰/۰۰۰ با متغیر رضایت از زندگی زناشویی رابطه معنادار و مثبتی دارد. در واقع هر چه صمیمیت با همسر بالاتر رود، میزان رضایت زناشویی افزایش می‌یابد و هر چه صمیمیت با همسر کاهش یابد میزان رضایت زناشویی نیز، کاهش می‌یابد. میزان بالای ضریب

همبستگی پیرسون که $0/67$ است نشان از رابطه قوی بین آن‌ها دارد. از طرفی هر چه شناخت زوجین نسبت به یکدیگر بیشتر باشد، حس خوشایندتری در کنار هم داشته باشند و بیشتر اوقات فراغت خود را صرف یکدیگر کنند، رضایت زناشویی‌شان بالاتر می‌رود. متقابلاً هر چه گفتگوی محبت‌آمیز کمتری بین زوجین حاکم باشد، شناخت آن‌ها نسبت به یکدیگر کم و اوقات فراغت کمتری را باهم سپری کنند، رضایت از زندگی زناشویی کمتری را با توجه به ضریب همبستگی $0/67$ تجربه می‌کنند. مشارکت با همسر نیز، به میزان $0/60$ و با جهت مثبت و به میزان قوی در سطح معناداری $0/000$ با متغیر رضایت از زندگی زناشویی رابطه معنادار و مثبتی دارد. به این صورت که هر چه مشارکت با همسر بالاتر رود، میزان رضایت زناشویی افزایش می‌یابد و هر چه مشارکت با همسر کاهش یابد، میزان رضایت زناشویی نیز، کاهش می‌یابد. میزان بالای ضریب همبستگی پیرسون که $0/60$ است نشان از رابطه قوی بین آن‌ها دارد. هر چه زوجین نسبت به یکدیگر احساس مسئولیت بیشتری داشته باشند و در تصمیمات خانوادگی مشارکت بیشتری کنند، رضایت از زندگی زناشویی بیشتری را با توجه به ضریب همبستگی $0/60$ تجربه می‌کنند. در نتیجه هر چه سرمایه اجتماعی درون‌گروهی ساختاری زوجین (صمیمیت با همسر، مشارکت با همسر) افزایش یابد، رضایتمندی زناشویی آنها نیز افزایش می‌یابد. بنابراین فرضیه ۲ تأیید می‌شود.

فرضیه ۳: به نظر می‌رسد بین سرمایه اجتماعی برون‌گروهی ساختاری (روابط زوجین در شبکه‌های برون‌گروهی و حمایت اجتماعی خانواده پدری) و رضایتمندی زناشویی، رابطه معنادار برقرار است. با این پیش‌فرض که هر چه سرمایه اجتماعی برون‌گروهی ساختاری بیشتر باشد، رضایتمندی زناشویی افزایش می‌یابد.

با توجه به ضریب همبستگی پیرسون، رابطه زوجین در شبکه‌های برون‌گروهی، به میزان $0/35$ و با جهت مثبت و به صورت نسبتاً خوب در سطح معناداری $0/000$ با متغیر رضایت از زندگی زناشویی رابطه معنادار و مثبتی دارد. یعنی هر چه رابطه فرد در شبکه‌های برون‌گروهی بالاتر رود، میزان رضایت زناشویی افزایش می‌یابد و هر چه رابطه فرد در شبکه‌های برون‌گروهی کاهش یابد، میزان رضایت زناشویی نیز، کاهش می‌یابد. میزان بالای ضریب همبستگی پیرسون که $0/35$ است نشان از رابطه قوی بین آن‌ها دارد. رفت‌وآمد بالای زوجین با فامیل، دوستان، خانواده پدری و

خانواده همسر و همچنین تفریح و وقت‌گذرانی زیاد با خانواده پدری و خانواده همسر، تأثیر زیادی بر روی افزایش رضایت زناشویی زوجین دارد. حمایت اجتماعی خانوادگی نیز، به میزان ۰/۴۱ و با جهت مثبت و به‌صورت قوی در سطح معناداری ۰/۰۰۱ با متغیر رضایت از زندگی زناشویی رابطه معنادار و مثبتی دارد. حمایت اجتماعی خانوادگی، که به دو صورت حمایت عاطفی و حمایت مالی خانواده پدری و خانواده همسر عنوان شده است، تأثیر زیادی بر رضایت زناشویی زوجین دارد. هر چه حمایت عاطفی خانواده پدری و خانواده همسر بیشتر باشد و خانواده‌ها در زمان بروز سختی و مشکلات از نظر عاطفی فرزندان‌شان را پشتیبانی بیشتری کنند، رضایت زناشویی زوجین نیز متقابلاً افزایش می‌یابد. ولی هرچه این حمایت عاطفی از جانب دو خانواده کمتر باشد، تأثیر معکوس بر رضایت زناشویی دارد. بنابراین فرضیه ۳ تایید می‌شود.

جدول ۶) ضرایب همبستگی پیرسون متغیرهای زمینه‌ای

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
سن پاسخگو	-۰/۱۵	۰/۰۰۲
سن همسر پاسخگو	-۰/۱۸	۰/۰۰۰
مدت زمان زندگی مشترک	-۰/۱۶	۰/۰۰۱

جدول ۷) ضرایب همبستگی متغیر شاغل بودن پاسخگو

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
شاغل بودن پاسخگو	۰/۲۵	۰/۰۰۳

فرضیه ۴: به نظر می‌رسد بین متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت، سن، تحصیلات، نوع اشتغال، میزان درآمد ماهیانه خانواده و مدت زمان زندگی مشترک زوجین) و رضایت از زندگی زناشویی رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به ضریب همبستگی پیرسون متغیرهای فوق، سن به میزان ۰/۱۵- و با جهت منفی و به‌صورت نسبتاً خوب در سطح معناداری ۰/۰۰۲ با متغیر رضایت از زندگی زناشویی رابطه معنادار و منفی دارد. درواقع با افزایش هر واحد تغییر در متغیر سن، میزان رضایت زناشویی به میزان ۰/۱۵

کاهش می‌یابد و هر چه سن کاهش یابد، میزان رضایت زناشویی نیز، افزایش می‌یابد. سن همسر نیز به میزان ۰/۱۸ و با جهت منفی و به‌صورت نسبتاً خوب در سطح معناداری ۰/۰۰۰ با متغیر رضایت از زندگی زناشویی، رابطه معنادار و منفی دارد. یعنی هر چه سن همسر بالاتر رود، میزان رضایت زناشویی کاهش می‌یابد و هر چه سن همسر کاهش یابد، میزان رضایت زناشویی افزایش می‌یابد. همچنین مدت‌زمان زندگی مشترک به میزان ۰/۱۶ و با جهت منفی و به‌صورت ضعیف در سطح معناداری ۰/۰۰۱ با رضایت از زندگی زناشویی رابطه معنادار و منفی دارد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، که تفاوت میانگین بین متغیر شغل و رضایت زناشویی با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۳ تأیید شده و بنابراین تفاوت معنی‌داری بین میانگین اشتغال و رضایت زناشویی شخص پاسخگو وجود دارد. در واقع هر چه افراد دارای شغل باشند، رضایت زناشویی بیشتری داشته و بیکاری افراد باعث می‌شود تا از میزان رضایت زناشویی آن‌ها کاسته شود. اما متغیرهای زمینه‌ای تحصیلات و درآمد ماهیانه خانواده در سطح معناداری ۰/۰۵ معنادار نبوده و با کاهش و یا افزایش مقدار آنها تاثیری در میزان رضایت زناشویی آنها ندارد. بین متغیرهای زمینه‌ای بررسی‌شده متغیرهای سن، سن همسر، مدت زمان زندگی مشترک و شغل معنادار هستند.

تحلیل چند متغیره

جدول ۸) نتایج تحلیل رگرسیون متغیرهای مستقل سرمایه اجتماعی و متغیر وابسته رضایت زناشویی

مدل	متغیرهای معرفی شده به مدل	ضریب تأثیر استاندارد شده	سطح معناداری	سطح معناداری مدل	ضریب تعیین رگرسیون	ضریب تعیین تعدیل یافته
۷	ثابت		۰/۸۷۹	۰,۰۰۰	۰/۵۹	۰/۵۸
	سرمایه اجتماعی برون- گروهی ساختاری	-۰/۰۰۵	۰/۹۰۷			
	سرمایه اجتماعی درون- گروهی شناختی	۰/۴۷۸	۰,۰۰۱			
	سرمایه اجتماعی درون- گروهی ساختاری	۰/۳۴۴	۰,۰۰۰			

جدول ۸، نتایج ضرایب استاندارد متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد، که به ازای هر واحد تغییر در متغیر سرمایه اجتماعی درون گروهی شناختی به میزان ۰/۴۷ رضایت زناشویی زوجین افزایش می‌یابد. به ازای هر واحد تغییر در متغیر سرمایه اجتماعی درون گروهی ساختاری ۰/۳۴ رضایت زناشویی افزایش می‌یابد. در مجموع نیز متغیرهای مستقل مربوطه در مدل با رقم سطح معناداری ۰/۰۰۰ معنادار هستند و متغیر رضایت از زندگی زناشویی به میزان ۵۹٪ توسط متغیرهای مستقل مدل تعیین می‌شوند، که رقم بالایی را برای تعیین نمونه به جامعه آماری مورد مطالعه، به نمایش می‌گذارد.

جدول ۹) شاخص‌های نیکویی برازش مدل

مقدار KMO	آزمون بارتلت-مقدار chi-square	سطح معناداری sig
۰/۹۵۶	۴۷۰۸/۶۵۶	۰/۰۰۰

جدول ۹، نشان می‌دهد، که عامل‌های سنجیده شده در تحقیق بسیار مناسب هستند. در آزمون بارتلت نیز، مقدار سطح معناداری ۰/۰۰۰ نشان دهنده آن است که نتایج تحلیل عاملی را می‌توانیم به جمعیت عاملی تعمیم دهیم.

جدول ۱۰) جدول اشتراکات (استخراج عوامل اولیه)

متغیرها	بار عاملی اولیه	بار عاملی استخراج شده
سرمایه اجتماعی برون گروهی ساختاری	۱/۰۰۰	۰/۵۶۲
سرمایه اجتماعی درون گروهی شناختی	۱/۰۰۰	۰/۸۵۴
سرمایه اجتماعی درون گروهی ساختاری	۱/۰۰۰	۰/۷۰۳

بر اساس نتایج به دست آمده در جدول ۱۰، ۰/۵۶ تغییرات متغیر سرمایه اجتماعی برون گروهی ساختاری توسط عامل‌های این پردازش تبیین می‌شوند. ۰/۸۵ تغییرات متغیر سرمایه اجتماعی درون گروهی شناختی توسط عامل‌های این پردازش تبیین می‌شوند و در نهایت ۰/۷۰ تغییرات متغیر سرمایه اجتماعی درون گروهی ساختاری توسط عامل‌های این پردازش تبیین می‌شوند.

جدول (۱۱) کل واریانس‌های تبیین شده

عامل‌های استخراج شده براساس بار عاملی			ارزش‌های اولیه			مؤلفه‌ها
درصد تجمعی	درصد واریانس	کل واریانس	درصد تجمعی	درصد واریانس	کل واریانس	
۷۰/۶۱۶	۷۰/۶۱۶	۲/۱۱۸	۷۰/۶۱۶	۷۰/۶۱۶	۲/۱۱۸	۱
			۹۲/۱۷۷	۲۱/۵۶۱	۰/۶۴۷	۲
			۱۰۰/۰۰۰	۷/۸۲۳	۰/۲۳۵	۳

بر اساس نتایج جدول ۱۱ که متناسب با هر سه متغیر سه عامل ایجاد شده‌است، کل واریانس متغیرها روی عامل اول ۲/۱۱۸، روی عامل دوم ۰/۲۱۵۶۱، و روی عامل سوم ۰/۷۸۲۳ است. درصد تغییرات متغیرها روی عامل اول و دوم و سوم به ترتیب ۷۰/۶۱۶، ۲۱/۵۶۱ و ۷/۸۲۳ است. در نهایت عامل‌های متغیرهای دوم و سوم حذف شده و متغیری که بار عاملی بالاتری نسبت به سایرین با میزان ۷۰/۶۱۶ داشته، باقی مانده‌است.

جدول (۱۲) استخراج نهایی عامل‌ها بر اساس چرخش واریماکس

مؤلفه‌ها	متغیرها
۱	
۰/۹۲۴	سرمایه اجتماعی درون‌گروهی شناختی
۰/۸۳۸	سرمایه اجتماعی درون‌گروهی ساختاری
۰/۷۵۰	سرمایه اجتماعی برون‌گروهی ساختاری

در نهایت هر سه متغیر موجود در تحقیق از بار عاملی بالایی بر اساس چرخش واریماکس برخوردار می‌باشند. البته بار عاملی متغیر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی شناختی با رقم ۰/۹۲۴ نسبت به همه عامل‌ها رقم بالاتری را نشان می‌دهد.

- مقدار دوربین واتسون متغیرهای سرمایه اجتماعی درون‌گروهی شناختی، درون‌گروهی ساختاری و برون‌گروهی ساختاری به ترتیب ۱/۸۳۲، ۱/۸۶۶ و ۰/۷۳۱ که همگی نزدیک به ۲ هستند، بیانگر آن است، که بین باقی‌مانده‌ها همبستگی وجود نداشته و مدل به درستی انتخاب شده‌است.

جدول ۱۳) تحلیل مسیر متغیرهای اصلی تحقیق

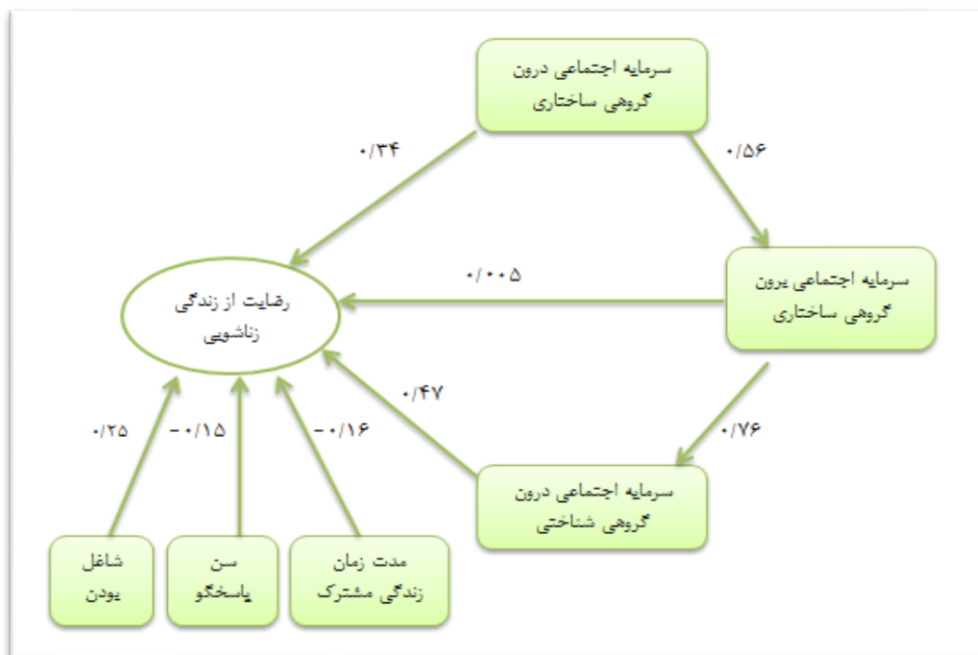
ردیف	مسیر	اثر مستقیم	اثر خالص
۱	سرمایه اجتماعی درون گروهی شناختی ← رضایت از زندگی زناشویی	۰/۴۷	۰/۳۷
۲	سرمایه اجتماعی درون گروهی ساختاری ← رضایت از زندگی زناشویی	۰/۳۴	۰/۲۵
۳	سرمایه اجتماعی برون گروهی ساختاری ← رضایت از زندگی زناشویی	۰/۰۰۵	۰/۰۰۱

بر اساس نتایج جدول ۱۳ و تفسیر مجذور اثر خالص، ۱۳٪ تغییرات متغیر رضایتمندی زناشویی از طریق متغیر سرمایه اجتماعی درون گروهی شناختی تبیین می‌شوند. همچنین ۶٪ تغییرات متغیر رضایتمندی زناشویی از طریق متغیر سرمایه اجتماعی درون گروهی ساختاری تبیین می‌شوند. در مجموع ۲۰٪ تغییرات متغیر رضایت زناشویی توسط ۳ متغیر مذکور تبیین می‌شوند.

جدول ۱۴) تحلیل مسیر متغیرهای زمینه‌ای

ردیف	مسیر	اثر مستقیم	اثر خالص
۱	جنسیت ← رضایت از زندگی زناشویی	۰/۰۴	۰/۰۳
۲	سن ← رضایت از زندگی زناشویی	-۰/۱۵	۰/۱۰
۳	شغل ← رضایت از زندگی زناشویی	۰/۲۵	۰/۲۰
۴	تحصیلات ← رضایت از زندگی زناشویی	۰/۰۱	۰/۰۱
۵	مدت‌زمان زندگی مشترک ← رضایت از زندگی زناشویی	-۰/۱۶	۰/۱۰
۶	درآمد ماهیانه خانواده ← رضایت از زندگی زناشویی	۰/۱۷	۰/۱۷

بر اساس نتایج جدول ۱۴ و تفسیر مجذور اثر خالص، ۱٪ تغییرات متغیر رضایتمندی زناشویی از طریق متغیر سن پاسخگو، ۴٪ از طریق متغیر شغل پاسخگو، ۱٪ از طریق متغیر مدت زمان زندگی مشترک و ۲٪ از طریق متغیر درآمد ماهیانه زوجین تبیین می‌شوند. در مجموع ۸٪ تغییرات متغیر رضایت زناشویی توسط ۳ متغیر مذکور تبیین می‌شوند.



نمودار ۲) مدل نهایی تحقیق

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مسئله مورد بررسی در تحقیق حاضر، بررسی جامعه شناختی رابطه‌ی سرمایه اجتماعی و رضایت زناشویی است. این تحقیق با هدف شناخت رابطه‌ی سرمایه اجتماعی و میزان رضایت از زندگی زناشویی شهر بیرجند صورت گرفته‌است. کلمن در باب سرمایه اجتماعی به اهمیت اعتماد زناشویی بین زوجین تأکید می‌کند و معتقد است که سرمایه اجتماعی به منظور رسیدن به مقاصد خاص صورت می‌گیرد که از جمله این مقاصد، اعتماد زوجین است و به این نکته اشاره می‌کند که کاهش اعتماد زناشویی در اثر تغییرات اجتماعی و با استفاده از روابط اجتماعی خاص که به منظور رسیدن به اهداف خاص صورت می‌گیرد. یافته‌های موجود در تحقیق نیز، نشان از تأثیر بالای ابعاد اعتماد زناشویی و تأثیر آن بر ابعاد مختلف رضایت زناشویی دارد. در ازای هر واحد تغییر در اعتماد زناشویی، رضایت زناشویی به میزان ۰/۳۵ افزایش می‌یابد و رابطه جنسی زوجین با کیفیت بهتری پیش رفته و در شیوه حل اختلافات زناشویی مؤثرتر و عاقلانه‌تر رفتار می‌کنند. این نتیجه‌گیری با

یافته‌های ملکی و نژادسبزی (۱۳۸۹)، قلی‌زاده و اسماعیلیان اردستانی (۱۳۹۳) و عسگری، پاشا و آذرکیش (۱۳۹۰) همخوانی دارد.

در زمینه افزایش تعهد زناشویی نیز، با افزایش وظیفه‌شناسی زوجین، وفاداری‌شان نسبت به یکدیگر و صداقت و راستگویی نسبت به هم، راحت‌تر می‌توانند اختلافات بین خودشان را حل کرده و کیفیت رابطه‌شان را افزایش دهند. نتایج تحقیق حاضر نیز نشان از آن دارد که متغیر رضایت از زندگی زناشویی با ابعاد مختلف مهارت ارتباطی، کیفیت رابطه جنسی، ویژگی اخلاقی و شیوه حل اختلاف به مقدار ۰/۱۸ توسط متغیر تعهد زناشویی قابل تبیین است که رقم نسبتاً خوبی را نشان می‌دهد. در واقع، در ازای هر واحد تغییر در تعهد زناشویی، رضایت از زندگی زناشویی به میزان ۰/۱۸ افزایش می‌یابد که صداقت را نیز افزایش می‌دهد. این نتیجه‌گیری با یافته‌های فتحی و دیگران (۱۳۹۱)؛ حفاظی طرقله، فیروزآبادی و حق‌شناس (۱۳۸۵)؛ مشاک (۱۳۸۹)؛ شاه‌سیاه، بهرامی و محبی (۱۳۸۸)؛ قزوینی و دیگران (۱۳۹۴) و بشارت و رفیع‌زاده (۱۳۹۵) که معتقد بودند با افزایش تعهد زناشویی رضایت زناشویی افزایش می‌یابد، همخوانی دارد. با افزایش در میزان صداقت در رفتار و گفتار با همسر، وفادار بودن به او و عدم خیانت همسر می‌توان این اطمینان را حاصل نمود که رضایت زناشویی به میزان ۰/۱۸ افزایش می‌یابد.

نان‌لین نیز جزو نظریه‌پردازان بحث سرمایه اجتماعی درون کانون خانواده است. در زمینه سلامت روانی زوجین نیز نان‌لین معتقد است که زوجینی که سلامت روانی داشته و افسرده نباشند و مهربانانه با هم برخورد کنند، رضایت زناشویی‌شان افزایش می‌یابد و حس کنترل بیشتری نسبت به زندگی شخصی خود دارند. نتیجه تحقیق حاضر نیز بیانگر آن است که در ازای هر واحد تغییر در سلامت روانی زوجین، به میزان ۰/۳۵ رضایت زناشویی افزایش یافته‌است. با وجود رفتارهای ملایم و کنترل نکردن همسر و اعتماد به او، حس عشق و همدردی و حرکات دوستانه بین زوجین افزایش یافته و با انصاف بیشتری با یکدیگر برخورد کرده و دلبستگی بیشتری نسبت به هم دارند. از طرفی در زمینه‌های مختلف احساسات خود را بهتر بروز داده و حس خوشبختی و سعادت بیشتری نسبت به زوجینی دارند که از سلامت روانی کامل برخوردار نیستند. این نتیجه‌گیری با یافته‌های توکل، معیدفر و مقصودی (۱۳۹۰)؛ شربتیان (۱۳۹۵)؛ حاجی‌زاده میمنندی و دهقان‌چناری (۱۳۹۴) و

شاهی، غفاری و قاسمی (۱۳۹۰) که معتقد بودند با افزایش سلامت روانی زوجین، رضایت زناشویی نیز افزایش می‌یابد، همخوانی دارد.

یافته‌ها نشان می‌دهد در ازای هر واحد تغییر در صمیمیت با همسر، به میزان ۰/۵۰ رضایت زناشویی افزایش یافته‌است. و در ازای هر واحد تغییر در مشارکت با همسر، به میزان ۰/۲۳ رضایت زناشویی افزایش یافته‌است. که هر دوی این مؤلفه‌ها جزو متغیر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی ساختاری می‌باشند. این نتیجه‌گیری با یافته‌های دغاغله، عسگری و حیدری (۱۳۹۱)؛ برزگر و سامانی (۱۳۹۵)؛ مشاک (۱۳۸۹) و بشارت و رفیع‌زاده (۱۳۹۵) در زمینه صمیمیت با همسر، یافته‌های گنجی و سامانی‌نژاد (۱۳۹۱)، قلی‌زاده و اسماعیلیان اردستانی (۱۳۹۳) و شاکریان، فاطمی و فرهادیان (۱۳۹۰) در زمینه مشارکت با همسر همخوانی دارد.

روابط زوجین در شبکه‌های برون‌گروهی و حمایت خانواده پدیری نیز که جزو متغیرهای سرمایه اجتماعی برون‌گروهی ساختاری بودند نشان داد، در ازای هر واحد تغییر در روابط زوجین در شبکه‌های برون‌گروهی، به میزان ۰/۰۷ رضایت زناشویی افزایش یافته‌است. که رقم قابل ملاحظه‌ای نیست و می‌توان گفت این مؤلفه تأثیرگذار نبوده‌است. که با نتایج ملکی و نژادسبزی (۱۳۸۹)، قلی‌زاده و اسماعیلیان اردستانی (۱۳۹۳)؛ چراغی و دیگران (۱۳۹۴) و حبیبی و دیگران (۱۳۹۳) که به این نتیجه رسیدند که روابط در شبکه‌های برون‌گروهی بر رضایت زناشویی اثرگذار است، همخوانی نداشته‌است. از طرف دیگر، در ازای هر واحد تغییر در حمایت خانواده پدیری، به میزان ۰/۳۶ رضایت زناشویی افزایش یافته‌است. این نتیجه‌گیری با یافته‌های عسگری، پاشا و آذرکیش (۱۳۹۰) و حبیبی و دیگران (۱۳۹۳) همخوانی داشته‌است.

پیشنهاد‌های پژوهشی

- با توجه به نتایج تحقیق که حاکی از شدت رابطه‌ی بیشتر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی نسبت به برون‌گروهی است، پیشنهاد می‌شود، به منظور تقویت حس همدردی و خوش‌حلقی بین زوجین، مسؤولین مربوطه، برنامه‌های آموزشی بیشتری را در رسانه‌ها، اعم از

تلویزیون، رادیو و بیش از همه اینترنت قرار داده، تا حس همبستگی درونی خانواده و بین زوجین تقویت گردد.

- یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که متغیر صمیمیت با همسر، از همه متغیرها تأثیر بیشتری بر رضایت زناشویی دارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود، با توجه به میزان بالای استفاده زوجین از شبکه‌های اجتماعی، تدابیری اندیشیده شود تا مبتنی بر آن در سایت‌ها و شبکه‌هایی که افراد بیشتر با آنها سروکار دارند، برنامه‌ها و محتوای آموزشی ایجاد صمیمیت با همسر و تشویق همسران به همنشینی با یکدیگر را تقویت کنند.

منابع

- اولیاء، نرگس؛ فاتحی‌زاده، مریم؛ بهرامی، فاطمه (۱۳۸۷). "تأثیر آموزش برای غنی‌سازی بر افزایش رضایتمندی زناشویی زوجها، اندیشه‌های نوین تربیتی". *فصلنامه دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهراء*، دوره چهارم، ش ۱ و ۲ (بهار و تابستان): ۹-۳۰.
- برزگر، اسماعیل؛ سامانی، سیامک (۱۳۹۵). "نقش واسطه‌ای صمیمیت در رابطه بین الگوهای ارتباطی و کیفیت زندگی زناشویی". *فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه*، سال هفتم، ش ۲ (تابستان): ۱۱۵-۱۲۸.
- بشارت، محمدعلی؛ رفیع‌زاده، بهار (۱۳۹۵). "پیش‌بینی سطوح رضایت جنسی و سازگاری زناشویی بر اساس متغیرهای شغلی، تعهد، صمیمیت و دانش و نگرش جنسی". *روانشناسی خانواده*، دوره سوم، ش ۱ (بهار): ۳۱-۴۶.
- بنی‌فاطمه، حسین؛ طاهری تیمورلویی، طاهره (۱۳۸۸). "تعیین عوامل اجتماعی- فرهنگی مرتبط با میزان رضایت از زندگی زناشویی در میان زنان متأهل آذرشهر". *جامعه‌شناسی*، سال اول، ش ۲ (بهار): ۷-۲۹.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴). *سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*. تهران: شیرازه.
- توکل، محمد؛ معیدفر، سعید؛ مقصودی، سوده (۱۳۹۰). "بررسی جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت روانی زوجین شهر کرمان". *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، سال دوم، ش ۵ و ۶ (بهار و تابستان): ۱۷۰-۱۹۴.
- چراغی، مونا، و دیگران (۱۳۹۴). "پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس کیفیت ارتباط همسران با دو خانواده اصلی". *راهبرد فرهنگ*، دوره یک، ش ۳۱ (پاییز): ۹۹-۱۲۵.
- حاجی‌زاده میمنندی، مسعود؛ دهقان‌چناری، مریم (۱۳۹۴). "سبک زندگی سلامت‌محور و رضایتمندی زناشویی بین زنان متأهل شهر یزد". *زنان در فرهنگ و هنر*، دوره هفتم، ش ۱ (بهار): ۶۱-۷۶.
- حبیبی، مجتبی، و دیگران (۱۳۹۳). "هنجارپایی و ساختار عاملی مقیاس تأملات خانوادگی و رضایت خانوادگی در خانواده‌های ایرانی". *خانواده‌پژوهی*، سال دهم، ش ۳۹ (پاییز): ۳۱۳-۳۲۹.

- حفاظی طریقه، میترا؛ فیروزآبادی، علی؛ حق‌شناس، حسن (۱۳۸۵). "بررسی ارتباط بین اجزاء عشق و رضایتمندی زوجی". *مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران*، دوره شانزدهم، ش ۵۴ (پاییز): ۹۹-۱۰۹.
- دغاغله، فاطمه؛ عسگری، پرویز؛ حیدری، علیرضا (۱۳۹۱). "رابطه بخشودگی، عشق و صمیمیت با رضایت زناشویی". *یافته‌های نو در روانشناسی*، سال هفتم، ش ۲۴ (پاییز): ۵۷-۶۹.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۹۰). *کندوکاوها و پنداشته‌ها، تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- روحانی، حسن (۱۳۹۰). "سرمایه خانواده، سنگ بنای سرمایه اجتماعی". *راهبرد*، سال نوزدهم، ش ۵۹ (تابستان): ۷-۴۶.
- زارع، بیژن؛ صفیاری جعفرآباد، هاجر (۱۳۹۴). "مطالعه رابطه عوامل مؤثر بر میزان رضایت از زندگی زناشویی در بین زنان و مردان متأهل شهر تهران". *مطالعات اجتماعی زنان*، سال سیزدهم، ش ۱ (بهار): ۱۱۱-۱۴۰.
- شاکریان، عطاء؛ فاطمی، عادل؛ فرهادیان، مختار (۱۳۹۰). "بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و رضایتمندی زناشویی". *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان*، دوره شانزدهم، ش ۱ (بهار): ۹۲-۹۹.
- شاه‌سیاه، مرضیه؛ بهرامی، فاطمه؛ محبی، سیامک (۱۳۸۸). "بررسی رابطه رضایت جنسی و تعهد زناشویی زوجین شهرستان شهرضا". *اصول بهداشت روانی*، سال سیزدهم، ش ۳، پیاپی ۴۳ (پاییز): ۲۳۳-۲۳۸.
- شاهی، عبدالستار؛ غفاری، ابراهیم؛ قاسمی، خلیل (۱۳۹۰). "رابطه سلامت روان و رضایتمندی زناشویی زوجین". *ماهنامه علمی-پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه*، سال پانزدهم، ش ۲ (بهار): ۱۱۹-۱۲۶.
- شربتیان، محمدحسن (۱۳۹۵). "مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه اجتماعی بر سلامت روان زوج‌های جوان بیرجند". *زن و مطالعات خانواده*، سال نهم، ش ۳۴ (زمستان): ۱۱۵-۱۴۲.

- شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰). "سرمایه اجتماعی: مفاهیم اصلی و چارچوب نظری". *رفاه اجتماعی*، دوره یک، ش ۲ (زمستان): ۵-۱۸.
- شعاع کاظمی، مهرانگیز (۱۳۸۹). "بررسی پیوند الگوهای ارتباطی با خشنودی زناشویی". *مطالعات زنان*، سال هشتم، ش ۱ (بهار): ۵۷-۷۰.
- صفری، راضیه (۱۳۹۶). "طلاق در استان خراسان جنوبی (گزارش تبیینی)". *معاونت فناوری اطلاعات و آمار جمعیتی*، سازمان ثبت احوال کشور، دوره یک، ش ۱: ۱-۲۳.
- عسگری، پرویز؛ پاشا، غلامرضا؛ آذرکیش، مریم (۱۳۹۰). "مقایسه تعهد زناشویی، رضایت جنسی و رضایت از زندگی زنان شاغل و خانه‌دار". *اندیشه و رفتار*، دوره ششم، ش ۲۱ (پاییز): ۵۳-۶۰.
- علیوردی‌نیا، اکبر؛ شارع‌پور، محمود؛ ورمزیار، مهدی (۱۳۸۷). "سرمایه اجتماعی خانواده و بزهکاری". *پژوهش زنان*، دوره ششم، ش ۲ (تابستان): ۱۰۷-۱۳۲.
- غنی‌فر، محمدحسین، و دیگران (۱۳۹۱). "بررسی رابطه رضایتمندی زناشویی و اضطراب در زنان مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی-درمانی شهرستان بیرجند". دوره هفدهم، ش ۲ (بهار): ۸-۱.
- فتحی، الهام، و دیگران (۱۳۹۱). "رابطه بین سبک‌های دلبستگی، تعهد زناشویی و رضایتمندی زناشویی دانشجویان متأهل دانشگاه علامه طباطبایی". *زن و مطالعات خانواده*، سال پنجم، ش ۱۸ (زمستان): ۶۳-۸۲.
- قزوینی، مریم، و دیگران (۱۳۹۴). "مقایسه رضایت زناشویی و هوش اخلاقی و رابطه آن با عدم تعهد اخلاقی در مردان". *پژوهش دین و سلامت*، دوره یکم، ش ۴ (پاییز): ۴-۱۱.
- قلی‌زاده، آذر؛ اسماعیلیان اردستانی، زهره (۱۳۹۳). "نقش مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر رضایت زناشویی دانشجویان متأهل". *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، سال پانزدهم، ش ۲ (تابستان): ۳۷-۴۶.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه اجتماعی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- گنجی، محمد؛ سامانی‌نژاد، محمدجواد (۱۳۹۱). "فرهنگ مشارکت و رضایت زناشویی در بین

زنان". فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال هشتم، ش ۲۶ (بهار): ۱۷۱-۲۰۰.

- مشاک، رویا (۱۳۸۹). "رابطه سبک‌های عشق (صمیمیت، لذت و تعهد) با رضایت زناشویی دانشجویان متأهل". زن و فرهنگ، دوره یک، ش ۲ (زمستان): ۸۳-۹۷.

- ملکی، امیر؛ نژادسبزی، پروانه (۱۳۸۹). "رابطه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی خانواده با خشونت خانگی علیه زنان در شهر خرم‌آباد". بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، ش ۲ (تابستان): ۳۱-۵۴.

- Gabriel, B.; Beach, S.; Bodenman, G. (2010). "Depression, Marital satisfaction and communication in couple: Investigating Gender Differences". *Behavior therapy*, Vol. 41, No. 1: 306-316.
- Thi tuong Anh, N.; Quynh, Anh (2015). "Social capital in Rural Areas of Vietnam and its impact on households life satisfaction". *Journal of economics and development*, Vol. 17, No. 3: 60-88.
- Kelley, D.; Burgoon, J. (1991). "Understanding marital satisfaction and couple type as functions of relational expectations". *Human Communication Research*, Vol. 18, No. 1: 40-69.
- Mohsin, A.; et al. (2013). "Role of Trust in Marital Satisfaction among Single and dual-career couples". *International Journal of rsearch studies in Psychology*, Vol. 22, No. 1: 1-10.
- Yusuf, F.; Latifa, R. (2017). "The Influence of Forgiveness, Gratitude and Duration of Marriage Toward Marital Satisfaction on Wives in South Jakarta". *Tazkiya Journal Psychology*, Vol. 22, No. 2: 231-240.

Investigating the Relationship between Social Capital and Marital Satisfaction in Birjand

Mohammad Bagher Akhondi¹, Fatemeh Lak²

Abstract

Marital satisfaction is a very important and fundamental factor for family stability. In recent years the unprecedented increase in divorce rate in Birjand indicates high weaknesses of families and changes in marital life style. The purpose of this survey is to explain the marital satisfaction in of Brigands' couples in 2018. This article seeks to find a reason for reducing marital satisfaction in the city of Birjand. The theoretical framework of this research is based on the theory of social capital by James colman lane and Bradbury Fincham and phenol. The research method of this study is survey and the statistical population of this study is households in the city of Birjand. Findings indicate that marital satisfaction increases by 0/47 for each unit of change in social capital of inter-group and in exchange for each unit of change in social capital of structural inter-group marital satisfaction increases by 0/34. In general 59% of marital satisfaction changes are explained by the main variables of social capital within a structural inter-group and cognitive inter-group. The results of the research is that social capital of inter-group does not have an important effect on the satisfaction of couples but the changes that have been made within the structure of the family and between couples are more important. Model fit tests show that the model is good for this study so this model can be generalized from the sample to statistical society. Finally the value is 0/95 kmo and the appropriate amount of Bartletts test at a significant level of 0.000 indicates the fitting of the research model and the ability to generalize the factorized sample into Research population.

Keywords: social capital, marital satisfaction, marital trust, marital commitment.

1. Assistant Prof, Sociology, Birjand University; Email: akhondi@birjand.ac.ir

2. MA, Social Science; Email: fateme.lak1372@gmail.com